

گزارش نشست نقد رأی:

اثر خط زدن حواله کرد بر روی چک

تنظیم: حمیدرضا نجفی*

نوزدهمین جلسه نقد رأی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران با موضوع «اثر خط زدن حواله کرد بر روی چک» با حضور جمعی از قضات محترم دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران و آقای دکتر کاویانی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، در تاریخ یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ در سالن ولایت دادگستری استان تهران برگزار گردید.

رأی مورد بحث

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۲۰۰۶۶۰

تاریخ رسیدگی: ۹۲/۵/۱۳

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ب. ن به وکالت از طرف آقای س. ر به طرفیت آقای م. ن نسبت به دادنامه شماره ۹۲۰۱۴۳ - ۹۲/۳/۷ صادره از سوی شعبه محترم ۸۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن در خصوص دعوی تجدیدنظرخواه به طرفیت تجدیدنظرخوانده

* کارشناس دفتر ارتباطات و همکاری‌های علمی پژوهشگاه قوه قضاییه.

HamidZeini@gmail.com

به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال قرار رد دعوی به لحاظ انتقال چک از طریق ظهنویس به تجدیدنظرخواه با وصف عدم امکان انتقال آن از ناحیه دارنده ماقبل وی به علت خط خوردن کلمه حواله کرد در متن چک صادر شده است و دادگاه با عنایت به مستفاد از مواد ۳۱۰ و ۳۱۱ و خاصه ماده ۳۱۲ قانون تجارت چون اداره صادر کننده چک در تعیین ذی نفع چک مورد احترام و توجه قانون گذار قرار گرفته و خط زدن کلمه حواله کرد در متن چک این حق را از ذی نفع آن سلب می کند که ظهنویسی آن را به دیگری منتقل می کند تجدیدنظرخواهی را با هیچ یک از جهات منعکس در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی منطبق ندیده مستنداً به ماده ۳۵۳ همان قانون ضمن رد تجدیدنظرخواهی قرار تجدیدنظرخواسته را تأیید می کند.

رئیس شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

حمیدرضا قمری - علی حاجی حسنی

در ابتدای جلسه، آقای اهورکی پس از طرح موضوع به بیان دو نظریه موجود

در این زمینه پرداختند.

۱. خط زدن حواله کرد تأثیری در انتقال و گردش چک ندارد، زیرا چک یک سند تجاری است (اشخاص نمی توانند با اراده خودشان گردش سند تجاری آن را متوقف کنند).

۲. اراده طرفین می تواند دخالت کند. زمانی که صادرکننده، حواله کرد را خط زد، شخصیت طرف گیرنده چک مد نظرش بوده و فقط همان شخص می تواند آن چک را وصول کند.

بانک مرکزی به استناد بخشنامه مورخ ۱۳۸۹/۵/۳۱ نظر اول را تأیید می کند: براساس «ماده ۳۱۲ قانون تجارت» و «ماده ۲ قانون صدور چک»، چک به صرف ظهنویسی انتقال می یابد، لذا درج مهر غیرقابل انتقال، فاقد اعتبار بوده و نیز درج آن توسط برخی از بانک‌ها بر روی اوراق چک، فاقد جنبه قانونی و مقرراتی می باشد.

اداره حقوقی به استناد نظریه شماره ۷/۶۷۵۹ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۲، نظر دوم

را تأیید می کند: نظر به این که صادرکننده چک با قلم زدن کلمه «حواله کرد» در

متن چک، حق پشت‌نویسی را از کسی که چک در و جهش صادر شده، سلب کرده و دریافت‌کننده هم با پذیرش چک به این نحو با این امر موافقت کرده [...] بنابراین دارنده فعلی چک [...] حق مراجعه به بانک را برای دریافت وجه چک و نیز حق اقامه دعوی کیفری نخواهد داشت.

آقای قمری، قاضی شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر:

ماده ۳۱۲ قانون تجارت می‌گوید: چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله‌کرد باشد. ممکن است به صرف امضا در ظهر، به دیگری منتقل شود. در این ماده، ۳ نکته قید شده است: ۱- در وجه حامل ۲- در وجه شخص معین ۳- حواله‌کرد. قید کلمه «حواله‌کرد» بیهوده نیست و قانون‌گذار قطعاً از آوردن آن، قصدی داشته و طبق نظر اداره حقوقی، «شخصیت» طرف برایش مهم بوده است.

امروز در جامعه، چک یک وسیله کسب اعتبار اشخاص هم هست. بنابراین وقتی شخصی چکی را در وجه آقای «الف» صادر می‌کند، مقصودش این است که فقط آن شخص معین به بانک مراجعه کند و چک را بگیرد. اگر قصدش این نبود، قید «حواله‌کرد» را خط نمی‌زد.

بخشنامه بانک مرکزی هم درست است. منظور، ظهرونی‌ای است که به طرق قانونی انجام شده باشد والا اگر در متن چک قید شده باشد آقای «الف» و حواله‌کرد خط زده شده باشد و این چک توسط شخص «ب» به بانک برود، این شخص اخیر دارنده قانونی نیست و حق مطالبه وجه چک را ندارد.

دکتر کاویانی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی:

نتیجه خط زدن قید «به حواله‌کرد» ۳ مورد می‌تواند باشد:

- ۱- بی اثر است. ۲- مانع انتقال است. ۳- مانع انتقال از نوع «براتی» است، ولی مانع انتقال مدنی نمی‌شود.

برای یافتن پاسخ، باید قصد مشترک طرف‌های قرارداد را پیدا کنیم. سؤال اینجاست که: «صادرکننده چک به حواله‌کرد چه چیزی را انشا می‌کند که مورد قبول طرف‌های مقابل قرار می‌گیرد؟» او می‌نویسد: «بانک ... مبلغ ... از طلبی را که از آن بانک دارم، به «الف» یا انتقال‌گیرندگان بعدی طلب بپردازد»، با این شرایط:

- در برابر «الف» یا انتقال‌گیرندگان بعدی تعهد می‌کنم که اگر بانک نپرداخت، پردازم (مطابق ماده ۲۴۹).

- اگر معلوم شود به «الف» مدیون نیستم، کماکان خود را در برابر انتقال‌گیرندگان بعدی متعهد می‌دانم (تعهد براتی).

و کسی که قید «به حواله‌کرد» را خط می‌زند، همان چیزها را می‌نویسد، با این تفاوت که شرط دوم او در پرداخت به این صورت تغییر کرده است: «اما اگر معلوم شود به «الف» مدیون نیستم، خود را در برابر انتقال‌گیرندگان بعدی نیز متعهد نمی‌دانم.»

ادله اثبات یا رد این ادعا

۱. اصل صحت نقطه آغاز حرکت است، لذا باید چنین انتقالی را صحیح دانست، مگر این که ثابت کنیم چنین انتقالی باطل یا غیرنافذ است:
 - از نظر اقتصادی پیش‌فرض معامله در ذی‌نفع بودن طرفین معامله است، مگر این که خلافش ثابت شود. بنابراین ابتدا به ساکن مخالفتی با معامله نیست.
 - عرف بانک: بانک‌ها توجهی به خط‌خوردگی نمی‌کنند.
 - عرف بازار: چک‌های با خط‌خوردگی «به حواله‌کرد» مورد نقل و انتقال واقع می‌شوند.

۲. صراحت مقررات بین‌المللی در این مورد: اگرچه ما به کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه نپیوسته‌ایم، ولی قواعد و مقررات نشان از منطبق حاکم بر اسناد تجاری و تعهد براتی است. پاراگراف دوم ماده ۱۴ کنوانسیون ژنو در این باره می‌گوید: «چک در وجه شخص معین با قید صریح بدون

حواله کرد یا عبارتی نظیر آن، تنها به صورت انتقال ساده [...] قابل واگذاری به غیر است.»

۳. ماده ۳۱۲ قانون تجارت با این انتقال (با خط خوردگی به حواله کرد) مخالفتی نمی‌کند و می‌گوید چک به سه صورت صادر می‌شود: ۱- حامل ۲- در وجه شخص معین ۳- به حواله کرد.

این ماده قانونی در جایی می‌گوید: «چک به وسیله ظهرنویسی قابل نقل و انتقال است» و چیز بیشتری نمی‌گوید. بنابراین ماده ۳۱۲ در مورد انتقال با خط خوردگی ساکت است و این سکوت را باید با عرف یا راه‌حل‌های دیگر تکمیل کرد.

در پاسخ کسی که ادعا می‌کند خط زدن «به حواله کرد» به خاطر مهم بودن شخصیت دریافت‌کننده چک برای صادرکننده آن است و آن را برای عدم جواز پرداخت در دادگاه (بعد از شکایت از صاحب چک) دلیل می‌داند، باید گفت در حالی که روزانه بسیاری از این چک‌ها در بانک‌ها وصول می‌شوند، که نشان می‌دهد برای صادرکننده‌ها مهم نبوده چه کسی چک آنان را وصول می‌کند، تنها دلیل منطقی برای خط زدن حواله کرد این می‌تواند باشد که: اگر صادرکننده چک ایرادی در برابر اولین دریافت‌کننده داشته باشد، با خط زدن قید «به حواله کرد»، قصد خلاصی خود را از انتقال براتی داشته، بنابراین می‌خواهد حق استناد به ایرادش باقی بماند؛ یعنی اگر دارنده فعلی چک به دادگاه برود و وجه چک را مطالبه کند، اگر صادرکننده ثابت کند که به دارنده اولیه چک بدهکار نبوده، پس ملزم به پرداخت وجه چک به دارنده فعلی هم نخواهد بود.

آقای حمزه شریعتی، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

اثبات‌شده، نفی ما عدا نمی‌کند. در ماده ۳۱۲ در هیچ‌جا [به صرف خط خوردن حواله کرد، از دریافت‌کننده چک] سلب اختیار نشده است.

اعتبار قوانین مدنی بالاتر از قوانین براتی است. چک یک سند عادی است و در حکم اسناد لازم‌الاجرا است و بر این مبنا، به نظر می‌رسد با خط خوردن «به حواله کرد»، انتقال براتی هم نقض نمی‌شود.

تنها سلب اختیاری که برای ظهرنویسی آمده، مربوط به نظریه مشورتی ۶۴۱۹ مورخ ۱۳۸۲/۸/۵ است: «نظر به این‌که صادرکننده چک با قلم زدن در کلمه حواله کرد، در متن چک حق پشت‌نویسی را از کسی که چک در وجهش صادر شده، سلب کرده است...» سؤال اینجاست که: نظریه مشورتی چقدر اهمیت دارد؟ و این‌که آیا در قانون تجارت صراحتاً چنین سلب اختیاری به صرف خط خوردگی به حواله کرد آمده است؟ خیر.

در ماده ۳۲۰ قانون تجارت آمده: «دارنده هر سند در وجه حامل، مالک برای مطالبه وجه آن و محق محسوب می‌شود، مگر در صورت خلاف». ما نمی‌توانیم مالکیت دارنده سند را با این نظریات سلب کنیم. وقتی شخص محق است مبلغی را بگیرد، می‌تواند آن را به فرد دیگری نیز انتقال دهد.

خط زدن قید حواله کرد مالکیت و اقتدار دارنده را سلب نمی‌کند و اثرات آن را از بین نمی‌برد.

آقای شفیع خورشیدی، رئیس شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

- عرف بانکی مبتنی بر سلب اجازه از دریافت‌کننده بعدی چک، با خط خوردگی «به حواله کرد» است. این نتیجه تحقیقات شخصی این جانب از حدود ۵۰ نفر از کارکنان بانک بوده است و آنچه اکنون در این مورد در بانک‌ها اجرا می‌شود، بر مبنای دستور از بالا (بانک مرکزی) است، نه عرف بانکی.

- در اینجا ماده ۱۰ قانون مدنی حاکم است. اراده طرفین در زمان صدور چک و شرط ضمن عقد این است که: گیرنده چک، حق انتقال آن را به گیرنده‌های بعدی ندارد.

- حقوق تجارت عموماً از قواعد آمره است و اجرای قواعد آمره الزام آور است، اما در مورد مواد ۱۴ و ۱۸ کنوانسیون ژنو، باید گفت ما به این پیمان ملحق نشده‌ایم.

آقای ولدخانی، رئیس شعبه ۶۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

این مطلب که شخصیت ذی‌نفع و گیرنده چک، مطمئن‌نظر صادرکننده بوده به هیچ وجه قابل قبول نیست.

آقای مؤمنی، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان تهران:**۱. ماهیت چک چیست؟**

آیا جانشین و در حکم پول است یا وسیله پرداخت؟ چون قانون پاسخ این سؤال را داده، مراجعه به عرف و رویه بانک، محلی ندارد:

- ماده ۳ قانون صدور چک می‌گوید: «چک، تنها در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود».
- ماده ۴ قانون صدور چک می‌گوید: «بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فوراً نسخه دوم این برگ (گواهی عدم پرداخت) آن را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است، ارسال دارد ...».
- همچنین ماده ۳۱۶ قانون تجارت می‌گوید: «کسی که وجه چک را دریافت می‌کند، باید ظهر آن را امضا کند؛ اگرچه در وجه حامل باشد. برای تشخیص این‌که چه کسی برای اولین بار برای دریافت وجه چک به بانک مراجعه کرده، بانک‌ها مکلفند به محض مراجعه دارنده، مشخصات را به صورت کامل با ذکر تاریخ قید نمایند. قانون‌گذار این تکلیف را بر بانک معین کرده، چون مهم است دارنده چک کیست.

۲. شرایط شکلی چک چیست؟

در اسناد براتی، شرایط شکلی سند مهم است؛ تا جایی که این شرایط گاهی حتی سند را از وجه نقد یا پول متمایز می‌کند. امتیازهای این سند تجاری (چک) عبارتند از:

- مسئولیت تضامنی وکیل و صاحب حساب (مطابق ماده ۱۹)
- امکان اجرا از طریق اجرای ثبت و رسیدگی خارج از نوبت (مطابق ماده ۱۶)
- مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در تاریخ سررسید
- عدم تأثیر حکم ورشکستگی در مسئولیت کیفری
- امکان نمایندگی در وصول چک

با توجه به این‌که این امتیازها برای پول وجود ندارد یا شناخته نشده است، چک را باید سند بدانیم و شرایط شکلی آن را که از مقررات آمره قانون تجارت

است، رعایت کنیم. از جمله این شرایط شکلی، رعایت قوانین عمومی ظهرنویسی است. سند تجاری با ظهرنویسی قابل انتقال است، اما ظهرنویسی‌ای که از مجرای قانون و مطابق قانون باشد.

۳. اراده طرفین چه بوده است؟

در این تعهد مدنی یا پایه، اراده و قصد طرفین بر دریافت وجه، صرفاً برای کسی است که چک به نام او صادر شده است.

۴. شخصیت وصول‌کننده

قانون‌گذار دریافت‌کننده‌های چک را به سه دسته حامل، شخص معین و به حواله کرد تقسیم کرده است، بنابراین از نظر قانون‌گذار دریافت‌کننده واجد شخصیت بوده، وگرنه چک می‌توانست به هر عنوانی صادر شود و قابل ظهرنویسی باشد. چک قابلیت ظهرنویسی را باید داشته باشد. پس از نظر قانون‌گذار شخصیت وصول‌کننده مهم بوده.

وقتی صادرکننده به عنوان خالق سند قابلیت ظهرنویسی را (با خط زدن «به حواله کرد») سلب کرد، امکان ظهرنویسی وجود ندارد.

آقای اسماعیلی، رئیس کل دادگستری استان تهران:

اختلاف در این موضوع، هم جدی و هم دیرینه است. از سال ۱۳۵۷ این اختلاف در نوشته استادان و آرای همکاران قضایی وجود داشته است. در سال ۱۳۸۹ به دلیل اختلاف در آرای صادره در شعبه ۱۴ و ۲۸ دادگاه تجدیدنظر از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضای رأی تعیین وحدت رویه شده که تاکنون این رأی صادر نشده است.

من با نظرات دکتر کاویانی موافقم، جز این‌که در مورد شق دوم (اثر براتی) تردید دارم.

هرچند گفته می‌شود قانون تجارت در این مورد ابهام دارد، اما ما قواعد و اوصاف اسناد تجاری را پذیرفته‌ایم. از جمله این اوصاف، قابلیت انتقال‌پذیری چک

است که در ذات آن است. چک قابلیت انتقال در وجه حامل، شخص معین یا به حواله کرد را دارد و صادرکننده نمی‌تواند با خط زدن «به حواله کرد» قابلیت را که قانون برای چک در نظر گرفته، از آن سلب کند.

- در مورد عرف بازار و بانک: اگر ما چکی را، که «به حواله کرد» روی آن خط خورده، غیرقابل انتقال به غیر بدانیم، در این صورت باید شکایت از بانک را به دلیل پرداخت به غیر با این گونه چک‌ها، قابل استماع بدانیم.

آقای جعفری شهینی، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

قانون چک، متخذ از قوانین بین‌المللی خارج از کشور است و این قوانین در صورتی که «به حواله کرد» روی چک خط خورده باشد، آن را به عنوان یک انتقال ساده یا محدود پذیرفته‌اند؛ یعنی هر دو طرف با قصد و اراده موافق، چک را با این شرایط می‌پذیرند: صادرکننده با علم به اصل عدم استماع ایرادات یا اصل عدم توجه به ایرادات (به عنوان اصول قوانین حاکم بر چک) اعطا کرده و دارنده چک نیز آن را نه به عنوان یک سند تجاری، بلکه به عنوان یک سند عادی و از مصادیق بند ۳ ماده ۲۹۲ به عنوان یک طلب مدنی، با قبول خط‌خوردگی حواله کرد پذیرفته است.

آقای قیصری، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

از لحاظ نتیجه، با رأی دادگاه تجدیدنظر موافقم، اما از این نظر که انتقال تجاری این چک صحیح نیست، ولی انتقال مدنی آن ممکن است. در نقل و انتقال اسناد تجاری، سند منتقل می‌شود، ولی در انتقال مدنی، دین منتقل می‌شود. از آثار انتقال مدنی این است که دارنده به کسی مراجعه می‌کند که این چک را به او داده (به ید ماقبل خود مراجعه می‌کند). به این ترتیب حق دعوا از فرد ثالث نسبت به صادرکننده چک سلب می‌شود.

آقای حاج حسینی، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

دسته‌ای که معتقدند با خط‌خوردگی «به حواله کرد»، حق انتقال چک به ثالث سلب می‌شود، به ماده ۳۱۲ قانون تجارت استناد می‌کنند، ولی دسته

مخالف، استناد قانونی ندارند و فقط می‌گویند قانون تجارت یا قانون چک انتقال را منع نکرده است.

ماده ۳۱۰ قانون تجارت می‌گوید: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده به محال علیه دستور می‌دهد که وجوهی را که در نزد شما دارم، کلاً یا بعضاً مسترد کنید یا به آورنده تحویل دهید». اگر ما چک را دستور بدانیم (به تصریح قانون) و صاحب چک را مالک وجهی که در بانک دارد، بانک باید به نحوی که او دستور می‌دهد عمل و رفتار کند و اتفاقاً خط‌زدن حواله کرد، باعث اعتبار به چک می‌شود تا جایی که خیلی دعاوی به این طریق در محاکم قابل اثبات است. صادرکننده چک «طلب» ندارد؛ بلکه «وجه» دارد و برای پرداخت آن دستور می‌دهد و بانک باید آن طور که صاحب مال می‌خواهد، عمل کند.

وقتی بانک‌ها برای چک‌هایی با خط‌خوردگی «به حواله کرد» گواهی عدم پرداخت صادر می‌کنند، دلیل بر این است که این خط‌خوردگی و دستور صادرکننده ترتیب اثر می‌دهند.

شکل چک، مطابق قانون و مقررات تنظیم شده است. بانک‌ها در طول زمان به این نتیجه رسیده‌اند که چک باید به این شکل تنظیم شود و بر این اساس، کلمه حواله کرد را در متن چک آورده‌اند.

از ماده ۳۱۲ می‌شود استنباط کرد که اگر «به حواله کرد» خط بخورد، مبلغ مندرج در چک فقط باید به شخصی که نام او در چک مندرج شده، پرداخت شود.

استناد ما به ماده ۳۱۰ قانون تجارت بود، زیرا مطابق این ماده، آنچه صادرکننده چک امضا کرده معتبر است و اراده صادرکننده این بوده که چک صرفاً به شخص مورد نظر او پرداخت شود.

دکتر کاویانی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی:

از مجموعه مطالب مطرح شده، این نتایج به دست آمد:

۱. اصل صحت: اگر در صحیح بودن این انتقال، شک باشد باید به اصل صحت معتقد بود.
۲. ما در قراردادهای به دنبال راه حل آشتی جویانه هستیم؛ راه حلی که منفعت طرفین را تا حد ممکن حفظ کند. پس نیازی نیست با انتقال، مخالفت کنیم؛ می‌توانیم فقط با آثار انتقال براتی مخالفت کنیم.
۳. شرط، نتیجه‌اش بطلان نیست و نتیجه شرط منع نقل و انتقال، لزوماً بطلان آن نیست، بلکه یکی از نتایج آن می‌تواند بطلان باشد؛ می‌توان حق فسخ و جبران خسارت را نیز قائل شد. پس حکم صریحی نمی‌توان صادر کرد.
۴. در قرارداد، فهم مشترک ملاک است نه اراده یک طرف. فهم مشترک چیست؟
۵. چگونه ممکن است شخصیت فرد دریافت‌کننده پول مهم باشد؟ اصل بر این است که شخصیت طرف مهم نیست جز در موارد فوق‌العاده استثنایی که به خاطر آن حکم‌مان را خراب نمی‌کنیم.
۶. دارنده چک چه چیزی را پذیرفته؟ گمان او بر قابلیت نقل و انتقال چک، به‌رغم خط‌خوردگی است.
۷. نقل و انتقال مدنی با هر روشی ممکن است، از جمله ظهن‌نویسی: «عقد محقق می‌شود به قصد انشا به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند». منتها این ظهن‌نویسی آثار انتقال براتی را ندارد، بلکه آثار انتقال مدنی دارد؛ یعنی محفوظ بودن حق استناد به ایرادات.
۸. در مورد استناد به قانون، قانون تجارت ایران در این مورد ساکت است و ما خود باید یک راه‌حل منطقی بیابیم.
۹. صادرکننده چک «طلبکار» و پول او در نزد بانک «دین» است.
۱۰. در مورد چک‌هایی که «به‌حواله‌کرد» آن‌ها خط خورده و در دست شخص ثالث است، بانک به نام همان شخص ثالث گواهی عدم پرداخت را صادر می‌کند بدین معنا که نقل و انتقال را پذیرفته.

نتیجه: مناسب است ما با انتقال چک با خط‌خوردگی «به‌حواله‌کرد» مخالفت نکنیم، ولی آثار انتقال را به آثار انتقال ساده محدود کنیم نه انتقال براتی، زیرا در انتقال براتی حق استناد به ایرادات از بین خواهد رفت.

آقای قمری، قاضی شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر:

قید حواله‌کرد در ماده ۳۱۲ قانون تجارت بیهوده نبوده است. اگر قرار برانتقال چک حتی با «خط‌خوردگی به‌حواله‌کرد» (به شخص ثالث) باشد، پس چرا عبارت «به‌حواله‌کرد» قید شده است؟

«الناس مسلطون علی اموالهم» در اینجا مصداق ندارد. فقط در مورد چک در وجه حامل، شخص اخیر، دارنده محسوب می‌شود. در سندی که در وجه شخص معین است و قید حواله‌کرد آن خط خورده باشد، او دارنده نیست.

اصل صحت در جایی است که خلافش وجود نداشته باشد. وقتی در مفاد قانون تجارت عنوان «به‌حواله‌کرد» آمده، اتفاقاً با این انتقال مخالفت کرده است.

در اینجا اراده طرفین وجود دارد. زمانی که دریافت‌کننده چک، می‌بیند که حواله‌کرد خط خورده، حداقل به صورت ضمنی پذیرفته که حق ندارد آن را به شخص ثالث بدهد.

برای صادرکننده، اتفاقاً شخصیت دارنده چک مهم است (اهمیت دارد که او آشنا باشد یا ناشناس).

در مورد صادرکننده‌هایی که - علی‌رغم خط زدن حواله‌کرد چک - مبلغ توسط شخص ثالث دریافت شده و شکایتی هم نداشته‌اند، در این جا بزه یا جرمی واقع نشده که آنان شکایت کنند.

آقای مرادی، قاضی شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر:

بخشنامه‌های بانکی صرفاً یک دستور مافوق نیستند. قسمت آخر ماده ۳ قانون اصلاحیه چک، همان مطلب را پیش‌بینی کرده که: «هرگاه در متن چک

شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد. اگر این خط زدن را به عنوان یک شرط محدودکننده در نظر بگیریم، قانون گذار در ماده ۲ تصریح کرده که بانک ترتیب اثر ندهد و مبلغ چک را پرداخت کند.

نتیجه نهایی: اکثر حاضران در جلسه با رأی دادگاه تجدیدنظر موافقت کردند.

